

عسقم روزگار که به دردم آمده بودی فرود شکر را که برایت سروده بودم این غم تا عهد
 که ایالت استراحت از اجراء نموده ام. بنوام همچنان و هیچگونه اعتراضی بر من نه تنها شایسته تجدید و تسلیح بلکه پس
 از اینها که تو بدانی. البته میدانم که من تا هر چه در توانم در خدمت تو ایستاده ام و اینها را انجام داده ام
 و در زندان میمانم و در این راه از هر چه می توانم در خدمت تو ایستاده ام و در زندان میمانم
 بیشتر به محتوی این نامه توجه کن و در این باره با من ملاحظه کن تا هر چه می توانم در خدمت تو ایستاده ام
 که گمانی نمی آید تا حق طلب باشی و اگر سرد و سردی تو را می بینم که از دنیا بروی و خداوند عزوجل
 یک چیز در دست خود نگه دارد تا آنکه تو ایستاده باشی و ایستاده باشی تا آنکه حاجت به بیان نیاید و گمان
 را از اینم می توانم که تا آنکه تو ایستاده باشی و ایستاده باشی تا آنکه حاجت به بیان نیاید و گمان
 کرد که این گونه حسن ظاهر می بیند که در تو سرانجام و در این باره در حیات عالی است که باقی بماند و حاجت
 که در این باره ایستاده باشی تا آنکه تو ایستاده باشی و ایستاده باشی تا آنکه حاجت به بیان نیاید و گمان
 که در این باره ایستاده باشی تا آنکه تو ایستاده باشی و ایستاده باشی تا آنکه حاجت به بیان نیاید و گمان

برینا میاورد. و لذا این نوشته را همان چیزی که بیان کند نقل نامه امید دارم در کار این عهد نام این نگردد

نقص دارم. نوم نامی نیز سینه بیان کننده هم احساسات درونی خودم توصیف کننده بزرگی و عظمت او

نام بیاید و نام او

نام نوشته من این چیزها را بر سر بارگاه آسمانی میفرستم

چنانچه بعد از اولین اعلام که شد در تاریخ ۱۳۰۱ در این باره بودم. هر وقت ایام عید دست بردارم و از این

عید میخورم و میگویم از آنکه بدان که من و شما همه با هم هستیم و هر چه میفرستیم به شما میرسد و هر چه از شما میگیریم

به شما میرسد. این را بفرستید و در...

این فرستادم. و در روز سه شنبه ۱۳۰۱ در خواران و در روز ۱۳۰۱ در خواران و در روز ۱۳۰۱ در خواران

و در روز ۱۳۰۱ در خواران و در روز ۱۳۰۱ در خواران

مقاله نامه ملاحظه شد. افسر نگهبان

بقیه نامه پشت این صفحه نوشته شود

عین مراد با داشتی نامبرده بالا که باقر از ... صادره از ... ماهها

بازاره زندان تحويل گردید جهت استحضار در کونه ائمه مقتضی به ... ارسال میگردد

شماره تاریخ

رئیس دایره زندان

هست آیات

یاد آه سلام دیر از سخت

که بگشایم ورود دم درگاه

ترا دسیم آه !

و چه دیر ای بود !

و تو خندان بودی

و نگاهت محسوس

و تو بودی که رقص تازه گشوده در دم

آه آری تا با امروز

در روزگار حیرت

یاد آه لبها هنوز !

میت آینه باریت

آن شب مهتابی که در آفتاب بود آینه از اهر

و گویان بوده هر ستاره که خوار سر

نور صبر در شب

تو اما آینه بنگران با بوده

نگران بود تو - نگران بودم من

که چه می خواند

زندگی من در آینه
می تراستف در آفرینش آینه

من این بود که عمر بودی
و تو عمر بودی

حتیٰ آیا یادت

یاد آن لکھنؤ عہد و پیمانہ

کہ ایک بوسہ ایک

من گھم تو

تو گھم من

آئینہ

ہمیں راہ یقین نیت مارا

کہ جہاں گردانہ تو دمن را - مارا

ہمیں جس خاک -

ہمیں جس خاک .

۵۴، ۱۲، ۱۳

تو گھم من
نہاں

پیمان

هست آیا یادت

یاد آن لحظه‌ی دیدار نخست

که به هنگام ورود دم درگاه

تو را دیدم آه!

و چه دیداری بود!

و تو خندان بودی

و نگاهت معصوم

و تو بودی که رهنی تازه گشودی به رهن

آه آری تا به امروز

در سرم می‌جوشد

یاد آن لحظه هنوز!

هست آیا یادت

آن شب مهتابی که چراغانی بود

آسمان از اختر

و گواهان بودند هر ستاره که فراز سر ما

نور می‌داد به شب!

واقعا آن شب نگران ما بودند

نگران بودی تو_نگران بودم من

که چه می خواهد شد
زندگی من و تو
من تو را تنگ در آغوش گرفتم آن شب
مثل این بود که عمر بودی
و تو عمر بودی

هست آیا یادت
یاد آن لحظه‌ی عهد و پیمان
که به یک بوسه‌ی پاک
من شدم تو
تو شدی من

آن شب

هیچکس را به یقین نیست یارا
که جدا گرداند تو و من را... ما را
هیچکس حتی خاک...
هیچکس حتی خاک.

۱۳ . ۱۲ . ۵۴

آلبرت سهرایان

از اسرار فعالیت‌های نهضت آزادی ، سازمان انقلابی حزب توده و سازمان انقلابی کمونیستی (اساکا) در ایران پرده برداشته شد

صفحه ۴ کیهان

۱۶ ژوئیه ۱۹۷۲

مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی مقام امنیتی ایران

این سازمان اختلاف نظرهای بدید آمده بود بدین معنی که غلب این سازمان در اصفهان و مشهد که دارای نظریات افراطی و قهرآمیز بودند رویه کمیته مرکزی را پذیرفته و آنرا روشی اجورتوئیستی میدانستند و اعتقاد بعملیات حاد داشتند و در اجرای این نظر کمیته اصفهان بدون جلب موافقت قبلی کمیته مرکزی دست بعملیاتی زد که از آن جعله بود سرقت دو دستگاه ماشین تحریر و پلی‌کپی از یکی از دبیرستان های همایونشهر که این نقشه با طرح قبلی بوسیله اعضای کمیته انجام گرفت . پس از انجام برتانه سرقت ماشین پلی‌کپی و تحریر تب عملیات باسطلاع پارتیزانی سرزین

فعالیت های اساکا :

اعضای کمیته مرکزی اساکا اشتفاد داشته اند که در شرایط فعلی بهتر است این سازمان بجلب افراد مستعد و بالا بردن سطح اطلاعات تنوریک آنها و آماده کردن آنها برای زمانهای حاد بپردازد و بهمین مناسبت از طریق انتشار اعلامیه ها - تهیه و تکثیر جروبات و کتابهای کمونیستی و استفاده از گفتار های رادیوهای بیگانه - تشکیل جلسات بحث و انتقاد در این زمینه تلاشهایی بعمل میآوردند و معتقد بعملیات حاد و افراطی نبوده و در وضع کنونی روشی سالمتر آمیز را توصیه مینمودند ولی در این اواخر در داخل

تشکیلات :

اساکا دارای یک کمیته مرکزی مرکب از ۵ نفر در تهران و کمیونهای تشکیلات - تحقیق - مالی - تشریح و امور شهرستان ها بود که هر یک از این کمیونها وظایف مربوطه را زیر نظر کمیته مرکزی انجام میدادند .

مراکز فعالیت :

مرکز اصلی فعالیت اساکا پس از تهران - اصفهان و مشهد بوده و در بعضی از شهرستان های دیگر نظیر قزوین - اراک - کاشان - شهرکرد - بجنورد نیز اعضاء و طرفدارانی داشته است .

سازمان انقلابی

کمونیستهای ایران اساکا

تاریخچه :

سازمان انقلابی کمونیست های ایران که در تابستان امسال بسه فعالیت آن خاتمه داده شد تاریخچه مفصلی دارد که تشریح آن احتیاج بفرست زیادی دارد و فایده چندانی نیز ندارد . بهرحال اساکا بترتیبی که بفصاحت آن خاتمه داده شد در سال ۱۳۴۸ با ترکیب و اختلاف دو گروه کوچکتر کمونیستی تشکیل گردیده بود . گردانندگان این سازمان همانطوریکه از نام آن پیداست بنا باندای خود دارای ایدئولوژی کمونیستی بودند .

انضای این کمیته بالا رفته و تصمیم
نیگیرند یکی از بانکهای اصفهان
دستبرد بزنند و با اینکه این عمل
مورد مخالفت تعدادی از اعضای
کمیته اصفهان قرار میگردد
اما موافقین سرقت بانک که
محمود نوابی و احمد معینی
عراقی در رأس آنها بودند اظهار
میدارند که این عمل برای ورزیده
شدن اعضا و شروع عملیاتی که
در نظرات درآینده وسعت داده
شود لازم است.

موافقین سرقت بانک برای انجام
این برنامه یکی از اعضا را به
خراسان اعزام میدارند تا بوسیله
دکتر طباطبائی ستول کمیته
خراسان ساکا که وی نیز تما
جلودی طرفدار کارهای حساد
بود در منطقه خراسان چند قبضه
اسلحه کمری تهیه نماید که این
امر آنجا هم سه قبضه اسلحه کمری
تهیه میشود.

با شناسائی قبلی که در مورد
بانک صادرات مارنار بعمل میاید
سه نفر از اعضای شبکه اصفهان
برای سرقت بانک صادرات شعبه
مارنار اقدام ولی در حین عمل
دو نفر آنها که وارد بانک شده
بودند دستگیر میشوند و یکی از آنها
که بمواز مراقب وارد بانک نگردیده

بود ستواری میگردد.

کمیته اصفهان بمنظور بالا بردن
روحیه انقلابی افراد اقدامات
عملی دیگری منجمله شناسائی يك
سراشی در تهران بمنظور سرقت
و تحقیق در مورد فردی که پول
های بانکهای همایونشهر را به
اصفهان میبرد نیز انجام داده بود
که موفق باجرای آن نگردید.

کمیته خراسان ساکا نیز اقداماتی
و اندرزمینه شناسائی مناطق کوهستانی
و جنگلی شمال کشور (مناطق
ماسوله - گورابست شاندرمن -
کلارشت) و مطالعه در مورد
وضعیت ساکنین مناطق مزبور بعمل
میآورد که این اقدامات مقارن
با دستگیری اعضای ساکا بود و چند
نفر از افرادی که در مأموریتهای
شناسائی بودند دستگیر شدند.

باید افزود در تهران نیز وحدت
نظر بین کلیه اعضا ساکا وجود
نداشته و برخی از اعضای کمیته
در تهران بر خلاف عقیده اعضای
کمیته مرکزی نظر به تشدید فعالیتها
و شروع عملیات خرابکاری داشتند
و شناسائی هائی در مورد چند
سینما و همچنین فروشگاه های ایران
و فردوسی بمنظور خرابکاری نموده
بودند.

ایجاد واحد های انتقالی :

برخلاف نظر عناصر افراطی در
ساکا که معتقد به تهیه پول از طریق
سرقت بانکها و مفازه ها بودند عوامل
میانروی شبکه که بمفالیث آرامتر
عقیده داشتند معتقد بودند بایند
با ایجاد واحد های انتقالی برای
تأمین مخارج ساکا اقدام کرد و
بهین منظور مفازه ففادی بنام
ملك وادر جاده قدیم شمشیران
خریداری و یکنفر از اعضای سازمان
بنام خاچاطور سهرابیان را مامور
آداره مفازه مزبور کرده بودند.

همچنین مفازه خیاطی هیلتون را
که قبلا بوسیله یکی از اعضا
خریداری شده بود نوسه دادند تا
از این طریق درآمد بیشتری بدست
آورند.

از جمله کار های انتقالی دیگر
ساکا خرید يك دستگاه کامیون
جهت توزیع کالباس در تهران
بود ولی آوانس مرادیان کسه
کامیون بنام وی خریداری و در
اختیارش گذاشته شده بود مدعی
مالکیت کامیون شده و درآمسد
حاصله را در اختیار ساکا قرار
نمیداده است.

ارتباط ساکا با عراق :

ساکا بوسیله یکی از اعضای خود
بنام بهروز صنی که عضو کمیته
خراسان بوده از طریق بهسروز
ستویه جهرمی دانشجوی سابق
دانشکده حقوق دانشگاه تهران که
از دو سال پیش باینطرف در عراق
بسر میرد و نویسنده و گوینده
برنامه فارسی رادیو بغداد است
با مقامات عراقی در تماس بوده و
بدین وسیله تماسها و ارتباطاتی با
عراقها داشته اند.

ارتباط ساکا با شورویها :

بعضی از اعضای ساکا مخصوصاً در تهران که مسند به مطامع و بررسی و یاد بردن صحیح معلومات شوریکت اعضاء و ادامه فعالیت بنحو اراختر بودمانند اعضاء ساکا را تشویق مینموده اند. در تالشیه انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی و کتابهای کتابخانه انجمن مذکور استفاده نمایند .

طبق اعتراضاتی که سهامین در پرونده کرده اند در جریان این ترندها اعضاء کمیته مرکزی به منظور اخذ کتب کمپوزیتی مورد نظر خود ضمن دادن نامه ای به البرت مهرانیان پوی ماموریت میدهند نامه مزبور را به یکی از مقامات سفارت شوروی بدهند . در اجرای این ماموریت البرت مهرانیان به سفارت شوروی در تهران مراجعه و با شخصی که خود را آواسیان معرفی نموده تماس و تقاضای ملاقات مینماید .

آئیرت مهرانیان در اوراق بازجویی خود در زمینه این ارتباط چنین نوشته است :

در روز عوعود به آنها مراجعه کردم آواسیان اظهار داشت چه کار داری گفتم به چند جلد کتاب احتیاج داریم . پرسید برای چه گفتم ما در اینجا به قدری بسام امانی کار میگردیم که او پس از حیف و میل کردن پولها خود را از بین برد (باید توضیح داد که باهر امانی از اعضاء اولیه ساکا بود که پس از حیف و میل کردن وجوه ساکا و خرج کردن آن برای زنی که به او علاقمند شده بود خودکشی کرد) آواسیان امانی را نمیشناخت گفتم او قبلاً هم به سفارت شوروی مراجعه کرده باید او را بشناسید گفتم نمیشناسم سوال کرد چینی هستید یا روسی

گفتم اگر چینی بودیم به شما مراجعه نمیگردیم گفتم چند نفرند جواب دادم در حدود ۱۵ نفر ، خریدید و برای چند دقیقه ای معذرت خواست و رفت . پس از برگشتن گفتم هر کسی که میخواهید باشد ما هزار زحمت و اشکال توانستیم با دولت ایران روابط حسن برقرار نمائیم لذا بیجوجه حاضر به چنین کاری نخواهیم بود . گفتم پس اعضاء ندارند گفتم ۵۰ درصد گفتم پس بگویند اعتماد ندارم پاسخ داد در حقیقت نه و برای اینکه به کارهایش برسد در را باز کرد و تدریس را خواست .

تعداد افراد دستگیر شده :

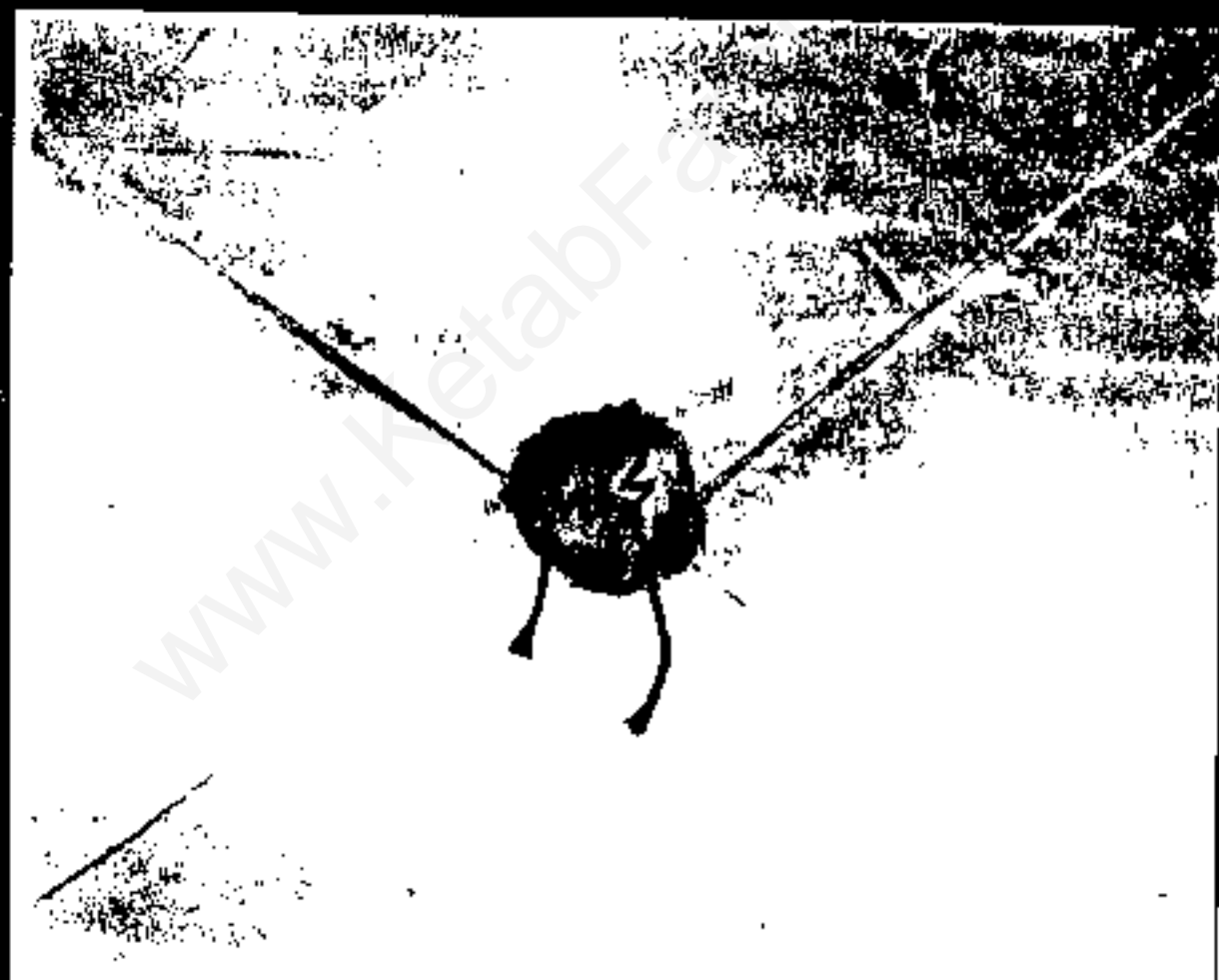
تعداد اعضاء و طرفداران این سازمان که دستگیر شده حدود ۵۰ نفر بودند که افراد درجه سوم و سمپاتها پس از در اختیار گذارن اطلاعات و اظهار ندامت آزاد و حدود ۳۰ نفر افراد درجات ۱ و ۲ که پرونده های آنها تکمیل شده جهت تمقیب قانونی در اختیار مراجع قضائی صالحه قرار گرفتند. این بود اطلاعاتی در باره سه شبکه خرابکاری مکتوفه مانگون در اختیار آقایان هشتم تا چنانچه سوالاتی دارند مطرح فرمایند . متن سوال وجوابهای خبرنگاران و مقام امنیتی در شماره آئینه چاپ میشود .

گزارش‌های مخرمانه شهر یابی

(۱۳۲۶ - ۱۳۲۴ شمسی)

(جلد اول)

به کوشش: مجید افروزی - محمود ظاهراحمدی



فولادی کارمند وزارت کشاورزی اظهار داشته است که دکتر مصدق یک باب خانه خود را در اختیار امامی رئیس حوزه‌های مخصوص کمونیستی^{۷۸} گذاشته و ضمناً کمکهای مؤثری هم برای طبع^{۷۹} و نشر کتاب و اوراق و ترجمه و تحریر آنها به تشکیلات محرمات کمونیستهای ایران به وسیله امامی می‌نماید.

شخص فولادی نیز سابقاً مسئول یکی از حوزه‌های مخصوص کمونیستی بوده، ولی سالیه خود را کنار کشیده است.

کمیته مرکزی (هیئت اجراییه وقت) حزب توده تصمیم گرفته است، در شهرستانهای شمالی مجدداً فعالیت کرده و تشکیلات حزبی را توسعه دهد و قرار شده

۷۸. باقر امامی برادرزاده سید حسن لقی (امام جبهه تهران) در جبهه گروه حوزه‌های مخصوص کمونیستی (گروه‌کها) که از قدیمترین کمونیستهای ایران به شمار می‌رود و از ابتدا باقی جفاگانه با بهران و مراغه‌ها حزب توده و شوروی داشت.

۷۹. اصل: طبق.

شب چهاردهم ماه جاری بین جوانان حزب توده و سایر افراد حزب مذکور گفتگو بود که حزب کمونیست ایران اخیراً به فعالیت فوق‌العاده‌ای برای توسعه تشکیلات خود قفاز نموده و همه روزه عده‌ای از کارگران و روشنفکران و افراد حزب توده به تشکیلات نامبرده می‌پیوندند و جلسات آنها هم از سه یا چهار نفر تجاوز نکرده و به سهولت در کافه‌ها و خیابانها و قهوه‌خانه‌ها تشکیل می‌گردد.

مسئول حوزه تشکیل چلنه گزارشات خود را شفاهاً به رابطهای مربوطه می‌دهد و در نتیجه افراد حوزه‌ها غیر از همان سه یا چهار نفر کسی دیگر را نمی‌شناسند.

افراد حزب توده اظهار می‌دارند: هر قدر تشکیلات حزب توده ضعیف‌تر می‌شود گروه‌کها^{۱۳۸} تقویت گشته پیشرفت می‌نمایند.

۱۳۷. حسن اربنجی در قم هنگام غزوه‌یکترین باران و مشاوران قرام کسله بود و به اجهانها او در مجلس پانزدهم (هر جلسه ۲۲ به ۲۴ ریح ۱۲ قبان ۱۹) ترمه مسکس به دولت توام کرد آورد. به ریزه آن که اربنجی از لگروه و لایحجان به رکالت رسیده بود که مثل اقتدار مطلق نخست‌وزیر به شمار می‌رفت.

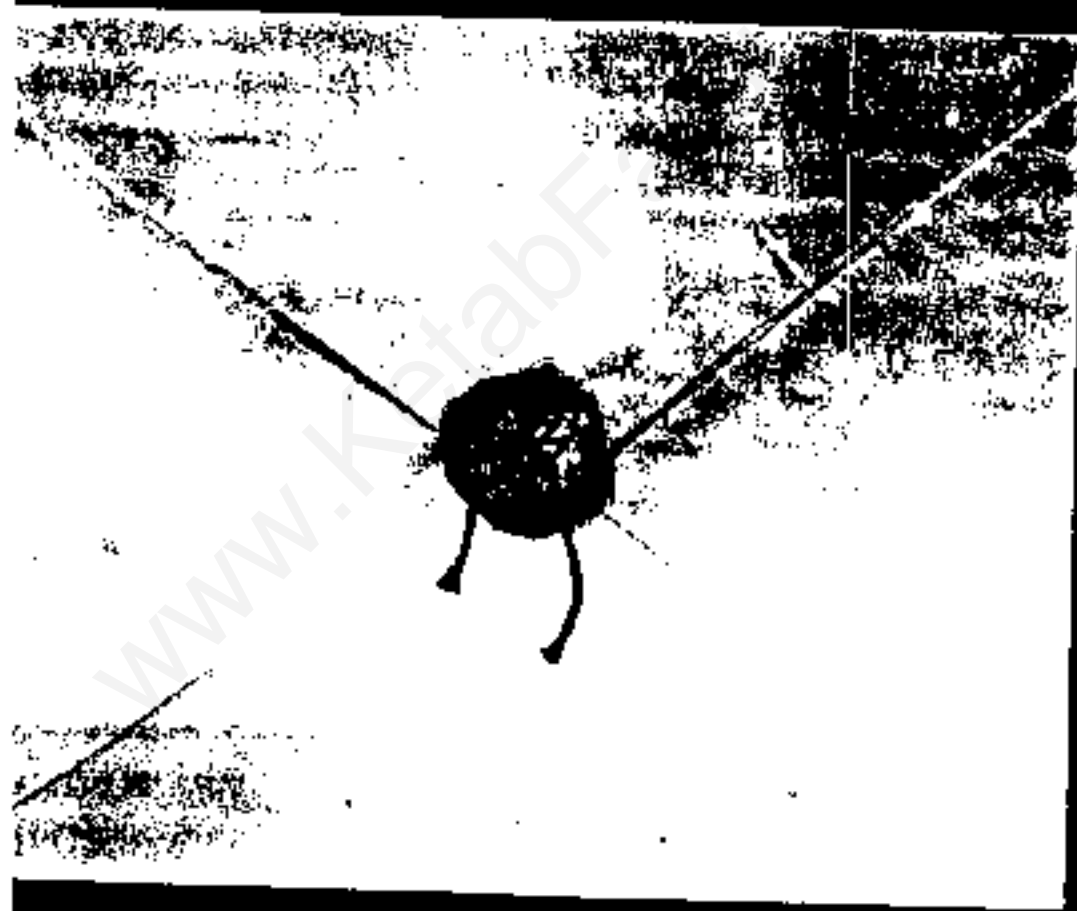
۱۳۸. اصل: گروه‌کها. جوانان باقر امامی کمونیست قدیمی که از دشمنان جدی حزب توده بود.

نگار خانہ شہیدانِ وطن و شہداء و شہداءِ شہداء

(۲۸ - ۱۳۲۷ شمسی)

(جلد دوم)

پہلوئیں: مجید لفرنی - محمود طاہر احمدی



بموجب تحقیقاتی که به عمل آمده، امتزاجی فعلی در شبانان شاه‌آباد کوچک ظهیرالاسلام منزل حیا، و یطونازن معروف سکونت دارد. مشارالیه قبل از شهریور ۱۳۲۰ جزو زندانیان سیاسی بوده و بعداً رهبری حوزه‌های محرمانه کمونیستی را عهده‌دار شده و پس از فائده شهریور ۱۳۲۰ به فعالیت سیاسی پرداخته و چون اخلاقاً با توده‌ایها مخصوصاً ۵۳ نفر معروف که فعلاً رهبری حزب توده را دارند، اختلاف نظر داشته و حاضر به همکاری یا توده‌ایها نمی‌شد. لذا سازمان محرمانه کمونیستی را به عنوان گروه‌های کمونیستی تشکیل داده و با جعفر پیشه‌وری هم از زندان سابقه آشنایی داشت است. اساسی مذکور فعلاً فعالیت خود را برای توسعه سازمان حوزه‌های کمونیستی بیشتر کرده است و به طوری که توده‌ایها اظهار می‌دارند: اغلب روشنفکران حزب توده به طور محرمانه عضویت سازمان مذکور را قبول کرده و بر اثر فعالیت می‌سر و صدا و تبلیغات حوزه‌های محرمانه کمونیستی نسبت به حزب نبوده بدین شده و افراد حوزه‌های مذکور سران حزب توده را خائن و مشکوک می‌دانند و اخیراً هم ضمن کتاب «مرد حریف» که از انتشارات گروه‌ها می‌باشد و بر علیه سران حزب توده انتشار یافته است، مسئولین حزب توده را عمال انگلیسی قلمداد کرده، که مانع از نهفتن حقیقی رهبران ایران گشته‌اند.

۱۰ - خرداد ۱۳۲۷

از طرف حوزه‌های محرمانه کمونیستی* برای فولین مرتبه کتابی به عنوان مرد متعین بر علیه سران حزب توده انتشار یافته است. در این کتاب مسئولین حزب توده را خائن و عمال سفارت انگلیسی قلمداد کرده و اساسی و شکل سیاسی آنها را در ادارات انگلیسی شرح داده و این طور واسمود شده است که سران حزب توده از مأمورین انگلیسی بوده و برای عدم پیشرفت حزب توده در رأس تشکیلات این حزب که مظهر آزادی‌خواهی ایران می‌باشد قرار گرفته‌اند. در این کتاب استدلال شده است که اگر این مسئولین در رأس حزب توده نبوده و آزادی‌خواهان حقیقی رهبری آن را به عهده داشتند، امروز نهفتن حقیقی توده ایران به پایان رسیده بود و منظور آزادی‌خواهان کاملاً فایده می‌گشت. این کتاب به وسیله حوزه‌های محرمانه کمونیستی در بین افراد و اعضای مربوطه پخش می‌شود و در کتابخانه‌ها و بنگاه‌های مطبوعاتی موجود نمی‌باشد.

۱۰ - خرداد ۱۳۲۷

شب ۹ ماه جاری بازار سمسوتیان یکی از مسئولین شورای متحده مرکزی اظهار

* صفحه‌های محرمانه کمونیستی (گروه‌های) به رهبری ابراهیم (پرو) برادر لاجبی انجام شده از فولین کمونیست‌های ایران و مخالف حزب توده.

اعالی نویسرکان معرفی [گروه] و به این منظور در مرکز مشاوره، فعالیت [شده اند] و اظهار نمودند: از توپسرکان هم عریضه هایی در این مورد تهیه و به پیشگاه مبارک عالی حضرت عالیون شاعتشاهی تقدیم گردد. بانرا اینصورتی و عده ای دیگر از مالکین روز ۱۹ ماه جاری در منزل همالفضل حق شناس حضور به هم رسانیده و عریضه ای به همین مضمون به پیشگاه مبارک عالیون تهیه و به وسیله حاجی حبیب بیات در بازار به امضا رسانیده و بدینترتیب خواهند فرستاد. آنها اظهار نموده اند: «به مقام نشسته وزیر م ۸ بعداً عریضه خواهیم نوشت». «۵ هجرتین ساعت ۱۵ روز ۱۳۲۸/۱/۴ مجدداً عده ای از مالکین و کسبه توپسرکان در منزل حاجی محمد دهقانی که او هم از مالکین است حضور و بدستگیر شهرتشان شده، توپسرکان تلگرافانی به پیشگاه مبارک عالی حضرت عالیون شاعتشاهی و آقای نخست وزیر و وزارت کشور تهیه و سفایره خواهند نمود. به طوری که در توپسرکان شهرت می دهند آنگاه می که در تهران هفتصد آنگاه جمال امامی وزیر مشاور به اتفاق اولی واره است که تا بک، ماه دیگر این اقدام را عملی خواهد کرد و بایستی از طرف اهالی هم تلگرافانی سفایره شود و به همین جهت این تلگرافات را تهیه و برای مزبانه این الدامات نیز بجهت در تهران جمع آوری و عملی استمر جلاله به سهراب حق شناس مسترد داده است. مزبانه تلگرافات و غیره را به حساب املاک م نظر تعاینه.

۱۱ - دی ۱۳۲۸

گزارش رسیده بود که در منزل مالر انانجی واقع در حسابای دروازه قمار کوچک حاج علی مراد کاشی شماره ۳۶ شیبا عده ای تجمع و جملات حزبی تشکیل می دهند. منزل مزبور مدتی نسبت نظر مأمورین قرار گرفته و چون معلوم گردید فضا صحت دارد. لذا شب گذشته غرضاً با حضور نماینده دادستان و فرمانداری نظامی منزل مزبور بازرسی و مشاهده شد که منزل مذکور دلوای لا اطاق می باشد که در یکی بانرا همای نویسنده روزنامه به پیش می ساکن و در اطاق دیگر علی اکبر سنین در کارگاه بانک ملی مرکز حسن بیروتیو کارمند بانک ملی ملوای حسن پرویزی دبیر فرهنگ، خاچاطوری و سهرابیان قنار و آرانسی برابان پرنور سکونت دارند. در بازرسی که بعمل آمد، مقدار زیادی اسناد مطبوع و صورت حسابات تشکیل [سوز] و اسناد و نظایر آن کپیتهی به دست آمده که حیثاً با تنهین به اداره آورده شده و غرضاً یک اطاق صندوقخانه که کتب زیادی در آن بوده به واسطه فستق وقت مه وور گردید که بعداً اعلام به بازرسی آن شود. به نزار معلوم سبل مزبور یک کلاسی موس و کانون کمونیستی تحت سرپرستی بانرا امامی بوده و قلاً قله به تحت پیگرد می باشد.

۱۲ - دی ۱۳۲۸

چون گزارش رسیده بود عباده الله سبحانه و دست فروش بازار مهران که سابقه پخش اعلامیه داشت، مشغول توزیع روزنامه مسیح الانبشار مردم و سایر نشریات شده می باشد. نام برده تحت نظر مأمورین ویژه قرار گرفته، تا طی که ساعت ۱۸ روز ۱۳ ماه

نشر بیدار منتشر کرده است

۱- مبارزه طبقاتی

کارل کلوئسکی

ج. ریاض

۲- مارکسیسم و دیکتاتوری پرولتاریا

هال تریپرا، موتسی جانسون

سوسن روستا، م. مهدی‌زاده، ج. ریاض

۳- اتحادیه، دموکراسی، دیکتاتوری

فرانتس لوبمان

ج. ریاض

۴- سخنرانی‌های مربوط به ماهیت مذهب

لودویگ لوبریاخ

لیکی غوش، آرزو

۵- سوسیالیسم و آبربریت

ماهیت دیرخانه بین‌الملل چهارم

رامین جوان

۶- در دفاع از انقلاب آکتبر

لرنست مندل

رامین جوان

۷- در شکم هیولا

جک هنری آیت

ج. ریاض

۸- مارکسیسم چه گویند

میشل لویی

فرشیده آهانی

۹- مارکسیسم و دموکراسی

ماکسیمیلیان روبن، ژاک نکسبه، کوران نوبون، و لوجو کوتس

۱۰- ویژه‌ی نخستین سالگرد زنده یاد محمد پوینده

۱۱- یادداشت‌های زندان (کمیساریات‌های کارگری اسپانیا)

کاماچو

عدایت مهران

۱۲- مارکس و انگلس و مفهوم حزب

موتسی جانسون

دفترهای بیدار

۱- بیدار شماره ۱

ویژه مارکسیسم و آگاهی طبقاتی
موشه لویین، گورلن تریبون، الن شاندرو...
ج. ریاحی، مرتضی معیبد

۲- بیدار شماره ۲

ویژه ارنست مندل و رالف میلی‌باند
راین بلاکمرن، ارنست مندل، میلی باند
ج. ریاحی، ج. آزاد

۳- بیدار شماره ۳

ویژه مانیفست کمونیست
م. لوری، ر. روسنولسکی، د. هاروی
ی. آبخون، البرز

۴- بیدار شماره ۴

ویژه مارکسیسم و مذهب
م. لوری، د. مک‌لارن، کند وست
ج. حامد، ج. ریاحی

۵- بیدار شماره ۵

ویژه سوسیال فمینیسم
هایدی هارتمن و زیلا ایزنشتاین

نشر بیدار منتشر می‌کند

۱- در معرفی و نقد مارکسیسم تحلیلی

اریک اولین رایت، مایکل لیوویتز، ارنست مندل...

۲- مارکسیسم و جامعه‌شناسی اتحادیه‌های کارگری

ریچارد هایمن

ج. ریاحی

۳- ویژه جامعه مدنی

ج. هانت، ا. گولدر، ا. الن مک‌سپنزوود ...

ج. ریاحی، ر. قراهانی، سوسن روستا

www.KetabSiasi.com

My Memories of the Labour Movement in Iran!

By Albert Sohrabian

Albert Sohrabian is one of veterans of Labour Movement in Iran. Aged 13 he joined the Youth organisation of Tudeh Party, the only left organisation at that time. Later, he turned to the *Workers Cells*, an underground organisation critical of the Tudeh Party, which aimed to create a real independent workers party in Iran. He then helped found *Soviets*, a new left organisation, and as an active members of which he was arrested by the Shah's police. After two years in prison, he took part again in forming *Fadrs* another new left organisation. This merged with other left organisations and *Saka* was established which was dissolved by the Shah's security in 1971. This time he was condemned to a six years prison sentence. Alongside his political involvement against the Shah dictatorship, Albert Sohrabian was also one of founders of the syndicalist movement in Iran and co-founded the Shoemakers Syndicate in Iran. After the 1979 revolution, he continued his struggle for democracy and socialism in Iran. After 60 years active engagement in the Iranian labour movement, Albert Sohrabian writes his memories "My Memories". This covers mainly the labour movement of Iran between 1940 to 1970.



در نگارش این کتاب هدف من تاریخ‌نگاری نبوده بلکه خواسته‌ام در پرتو نقل خاطراتم دورانی از جنبش کارگری و کمونیستی ایران را، که من آلبرت سهرابیان در آن شرکت داشته‌ام، در معرض قضاوت خواننده و نسل‌های آینده قرار دهم. متأسفانه تاریخ‌نگاری گروه‌ها، سازمان‌ها، شوراهای یکا و ساکا در میان انبوهی از تحریف‌ها، برخوردهای غرض‌آلود، یکجانبه و تنگ‌نظرانه مدفون شده است. آن چه مرا در نگارش این خاطرات مصر ساخت این حقیقت است که من یکی از آخرین بازماندگان گروه‌های نامبرده هستم بنابراین وظیفه خود می‌دانم که حقایق مربوط به این تشکل‌های کمونیستی را در اختیار عموم علاقمندان جنبش کارگری و کمونیستی قرار دهم.